

The compare maladaptive cognitive schemas and irrational beliefs and communicational skills between orphan adolescences and non-orphan adolescences

khodabakhshi koolae¹ A(PhD) - Baseri-Salehi² N(Msc) - Rooshan-Cheseli³ R(PhD) - Falsafi Nejad⁴ MR (PhD)

Abstract

Introduction: family environment is very vital and important to development of family members. Children who are rising up in Dynamic family environment are resilience to facing life problems. Some children and adolescents like orphans do not have enough chance to experience the warmth and emotional atmosphere of family. The present study aimed to compare early maladaptive schemas, irrational beliefs and communicational skills between orphan and non-orphan adolescences.

Methods: The research method was a causal- comparative approach. The sample of research consisted of 116 female adolescences (56 of them were orphan and 60 others were non-orphan adolescences), the participants mean age was between 12-18 years old. The non-orphan adolescents were selected by available sampling and the other orphan group was elected by targeting sampling.

The data gathering was carried out according to three questionnaires including; Young schema questionnaire short form, factor Irrational beliefs Test-Ahwaz (4IBT-A) and communication skills Test-Revised. The research data were analyzed by descriptive statistical methods including; Mean and Standard Deviation. Also, inferential statistical methods like; one -way analysis of variance (ANOVA), Multiple-way analysis of variance (MANOVA) and t-test student for independent groups. Then all data were entered to computer using SPSS package version 16.

Results: The findings indicated that there was a significant difference between total early maladaptive schemas scores and the sub-scales including; emotional deprivation, abandonment/instability, distrust/misbehave, social isolation/alienation defectiveness/ shame, failure, depended/incompetence, harm to self and obedience among orphan and non- orphan adolescences($p<0.01$). While, there was no significant difference between two research groups in irrational beliefs and communicational skills except the assertiveness score. This difference was one of the sub-scales in relationship skills. The non-orphan adolescents had acquired better score than orphan adolescents in assertiveness skill.

Conclusion: the results indicated that create proper conditions in childhood period for satisfying the basics needs of children like secure attachment especially for orphans child is very vital and important. Orphans are deprived from secure and stable family atmosphere. So, for better bringing up and preventing those from psychological problems creating the secure and healthy attachment in childhood period is necessary.

Key words: Early schemas, beliefs, communicational skills, orphaned child.

Received: 13 February 2014

Accepted: 2 May 2014

1-Assistant professor, Department of Counseling, Islamic Azad University, Science and Research Branch of Ark, Ark, Iran. (**Correspondence Athour**)

E-mail: anna_khodabakhshi@yahoo.com

2- Msc in Family therapy, Department of Psychology, faculty of Humanities, University of Culture and Science, Tehran, Iran.

3- Assoscaite Professor, Department of Psychology, faculty Of Psychology, Shahed University, Tehran, Iran.

4- Assistant professor, Department of Measurement and Assessment, faculty Of Psychology and Eeducation. Science, Allamah Tabatabaai University, Tehran, Iran.

مقایسه طرحواره های شناختی ناسازگار، باورهای غیر منطقی و مهارت های ارتباطی در

نوجوانان پرورشگاهی و غیر پرورشگاهی

آناهیتا خدابخشی کولایی^۱، نیلوفر باصری صالحی^۲، رسول روشن چسلی^۳، محمدرضا فلسفی نژاد^۴

چکیده

مقدمه: خانواده عنصر کلیدی رشد و پرورش فرزندان است. فرزندی که در محیط پویای خانواده پرورش می یابد، در آینده افرادی مقاوم، تاب آور در برابر مشکلات زندگی هستند. کودکان پرورشگاهی که اقبال و بخت تجربه کردن محیط خانواده را ندارند از محیط گرم و رشد یافته خانواده محروم اند. در این پژوهش مولفه های طرحواره های شناختی ناسازگار، باورهای غیر منطقی و مهارت های ارتباطی در دو گروه نوجوان پرورشگاهی و نوجوان عادی مقایسه شده است.

روش: در این مطالعه از روش پژوهشی علی-مقایسه ای استفاده شد. ۱۱۶ نوجوان دختر (۵۶ نفر نوجوان پرورشگاهی و ۶۰ نفر نوجوان عادی) بین سنین ۱۲ تا ۱۸ سال به روش نمونه گیری در دسترس برای نوجوانان عادی و روش نمونه گیری هدفمند برای نوجوانان پرورشگاهی انتخاب شدند و پرسشنامه های طرحواره های ناسازگار اولیه Young فرم کوتاه، پرسشنامه باورهای غیر منطقی جونز و آزمون مهارت های ارتباطی Quondam نسخه تجدید نظر شده را تکمیل کردند. سپس داده های با روش های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی، آزمون تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA)، تحلیل واریانس یک طرفه (ANOVA) و آزمون تی مستقل مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: نتایج پژوهش نشان داد که بین دو گروه در نمره کلی طرحواره های ناسازگار اولیه و خرده مقیاس های محرومیت هیجانی، رهاشدگی/بی ثباتی، بی اعتمادی/بدرفتاری، انزوای اجتماعی/بیگانگی، نقص/شرم، شکست، وابستگی/بی کفایتی، آسیب پذیری نسبت به خود و اطاعت در سطح ($p < 0.01$) تفاوت معناداری وجود داشت. در نمره کلی باورهای غیر منطقی و مهارت های ارتباطی تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نشد. تنها در خرده مقیاس قاطعیت در مولفه مهارت های ارتباطی تفاوت معنادار بود.

نتیجه گیری: براساس نتایج به دست آمده فراهم کردن شرایطی مناسب در دوره کودکی جهت ارضای نیازهای اساسی کودکان از جمله دلبستگی ایمن به خصوص برای کودکان پرورشگاهی که از محیط امن و با ثبات خانواده محرومند، برای رشد بهتر و موفقیت و پیشگیری از مشکلات روان شناختی در کودکان پرورشگاهی ضروری است.

کلید واژه ها: طرحواره های ناسازگار، باورها، مهارت های ارتباطی، کودک یتیم.

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۲/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۲۴

۱- استادیار، گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات اراک، اراک، ایران. (نویسنده مسؤول)

پست الکترونیکی: anna_khodabakhshi@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد خانواده درمانی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران.

۳- دانشیار، گروه روان شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

۴- استادیار، گروه سنجش و اندازه گیری، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

مقدمه

یکی از مهم ترین مسئولیت های خانواده پرورش و تربیت فرزندان است، چه بسا بسیاری از خانواده هایی که توانایی و آمادگی این رسالت بزرگ را ندارند و فرزندان خود را برای مراقبت به نزد موسسات و سازمان های پرورشگاهی می سپارند. ایران کشوری با جمعیت جوان، دارای مخاطراتی مثل بحران هویت در نوجوانان، افزایش روزافزون بیکاری و سردرگمی در جوانان و عدم استقلال آن ها در معرض این آسیب قرار دارد (۱). در این مجتمع های شبانه روزی کودکان و نوجوانانی وجود دارند که شامل این طبقات می شوند: فرزندان که والدین آن ها به علل اعتیاد یا قاچاق مواد مخدر زندانی شده اند، آن هایی که به علت مشکلات درون خانوادگی یا فوت والدین یا عدم صلاحیت والدین از منزل فرار کرده اند (۲). با توجه به اهمیت وجود خانواده در سرپرستی فرزندان، می توان انتظار داشت که نوجوانانی که در کنار والدین خود زندگی می کنند، با نوجوانانی که بنا به دلایل مختلف از خانواده جدا شده اند و در مراکز نگهداری از بچه های بی سرپرست و پرورشگاه ها به سر می برند در بسیاری از رفتارها و ویژگی های شخصیتی تفاوت داشته باشند (۳).

کودکان و نوجوانان پرورشگاهی با مشکلات بسیاری مثل: فقر، اختلالات دل بستگی، کمبود مهارت های اجتماعی و مشکلات سلامت روانی مواجه می شوند. این نوجوانان به دلایل گوناگونی در معرض خطر بالا برای مشکلات رشد هیجانی و رفتاری هستند. از بین این دلایل مرگ والدین، کودکان را در برابر خطرات جسمی و روانی آسیب پذیر و مستعد می کند (۴). به علت مشکلات ساختاری خانواده و از هم پاشیدن آن و از جهت این که فرزندان در این مجتمع ها نوعاً از طفولیت طعم زندگی را لمس نکرده و همواره در تنش و کشمکش و بی-مهری، در محیط های مملو از ترس و وحشت رشد می کنند (۳). بدین ترتیب این فرزندان شانس بیشتری در ابتلاء به اختلالاتی از جمله صرع (Epilepsy)، اختلالات تبدیلی (disorder Conversion)، زمینه های اضطرابی و واکنش های نوروتیک می باشند. از جمله مشکلات دیگری که

در این فرزندان نسبت به نرم جامعه بیشتر است می توان به این موارد اشاره کرد: شب ادراری، ناخن جویدن، پر خاشگیری، دروغ گویی، بی قراری، انزوا، کم رویی، احساس بی ارزشی، عزت نفس پایین، احساس حقارت، کاهش قدرت تصمیم گیری، آشفتگی فکر، شیشه شکستن، حالت های سادیستی و مازوخیستی، هراس، افسردگی، مشکلات تحصیلی، بیش فعالی همراه با کمبود توجه، تکان های بدن، اقدام به خودکشی، رگه هایی از اختلال شخصیت خود شکن، رگه هایی از اختلال شخصیت منفعل مهاجم و حتی اختلالات سلوک، اختلال پارانوئیدی و نیز اختلالات جنسی، اعتیاد به مواد استنشاقی مثل بنزین و حتی آشغال خوری نیز دیده شده است (۵).

یکی از نظریه هایی که مکانیزم های زیربنایی و سخت تحول در پدید آیی رفتارهای ضد اجتماعی را تبیین می کند، نظریه طرحواره های ناسازگار اولیه است (۶). یانگ این مدل را برای تشریح ارتباط والدین- آسیب شناسی ارائه کرده است و اساس نظری آن به برخی مفاهیم و تحقیقات، بر مبنای تئوری دلبستگی قرار دارد و پیشنهاد می شود که یک میانجی بالقوه در روابط والدین و بروز آسیب شناسی فرزندان، ایجاد طرحواره های ناکارآمد اولیه و یا باورهای هسته ای منفی در فرزندان است (۷).

همچنین، کودکان عادی به طور معناداری از هوش هیجانی بالاتری نسبت به کودکان پرورشگاهی برخوردارند و روابط عاطفی بهتری را نسبت به کودکان پرورشگاهی تجربه می کنند و نگرش مثبت تری به زندگی نسبت به کودکان پرورشگاهی دارند (۸). ابراهیم و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهش خود به این یافته اشاره داشتند که طرحواره های ناسازگار در بین پرورشگاہیان مخصوصاً دختران به میزان بالایی شایع است. به طوری که ۴۷ درصد پرورشگاہیان دارای طرحواره های ناسازگار هستند (۴). حسین چاری و فداکار (۱۳۸۴) مهارت های اجتماعی را رفتارهایی تعریف می کند که نه تنها روابط بین افراد را تحت تاثیر قرار می دهد بلکه، بهداشت روانی آنان را متاثر از خود می سازد (۹). بر اساس پژوهش انجام شده توسط یادآوری و همکاران (۱۳۸۷) عواملی نظیر، مهارت های اجتماعی (برقراری ارتباط مطلوب، ابراز وجود، همکاری، خودافشایی، خاتمه دادن، گوش دادن،

پاداش و تقویت، انعکاس، توضیح دادن و حل مسأله) تعیین و شناسایی ارزش های فردی در پیشگیری یا کاهش ابتلاء نوجوانان به انواع ناپهنجاری های رفتاری- اجتماعی و اختلالات روانی و شخصیتی نقش مؤثری دارند (۱۰).

مهارت های اجتماعی مؤثر در افراد ریشه در تفکر منطقی آن ها دارد. الیس (۱۹۹۵) در مورد مشکلات رفتاری و روانی معتقد است که بسیاری از ناراحتی های مردم و زندگی عاطفی نامنظم آن ها ریشه در انواع عقاید غیرمنطقی و غیرواقعی در مورد خود و جهان پیرامون آن ها دارد. از نظر او مشکلات روانی نتیجه ی شناخت های نادرست افراد است چرا که عواطف محصول شناخت است، و پیامدهای فراوانی که از تفکرات غیرمنطقی ناشی می شوند علل اساسی مهم ترین اختلال های هیجانی به شمار می روند (۱۱ و ۱۲).

طرحواره های ناسازگار اولیه، مهارت های اجتماعی ضعیف و باورهای غیرمنطقی از مؤلفه های روان شناختی مؤثر در پدیدآیی مشکلات روانی کودکان بدسرپرست می باشد. لذا توجه به این عناصر مهم روان شناختی در شکل گیری و تحول شخصیت کودکان و نوجوانان از وظایف مشاوران خانواده، روان شناسان کودک و نوجوان و مددکاران اجتماعی می باشد.

از این رو، پژوهش حاضر با هدف مقایسه سه متغیر طرحواره های شناختی ناسازگار و باورهای غیرمنطقی و مهارت های ارتباطی در نوجوانان پرورشگاهی و غیرپرورشگاهی انجام شد.

روش مطالعه

در این پژوهش از روش مطالعه علی- مقایسه ای استفاده شد. جامعه آزمودنی های نوجوانان دختر پرورشگاهی، شامل کلیه نوجوانان دختری بود که در مراکز شبانه روزی سازمان بهزیستی استان فارس زندگی می کردند. معیارهای ورود به این مطالعه بر این اساس بود که آزمودنی ها، ۱- دانش آموز بودند، ۲- سن آن ها بین ۱۲ تا ۱۸ سال بود ۳- سابقه بیماری جسمانی و روانی خاصی نداشتند ۴- از نظر مقاطع تحصیلی یکی بودند. نمونه دختران غیرپرورشگاهی نیز ۷۰ نفر نوجوان دختر غیر پرورشگاهی بود. پس از جمع آوری پرسشنامه ها، از ۷۰ پرسشنامه ۶۳ نفر

نوجوان غیر پرورشگاهی و ۵۷ نفر نوجوان پرورشگاهی با توجه به پاسخ دهی کامل و بدون نقص به پرسشنامه ها در نمونه قرار گرفتند. نمونه دختران پرورشگاهی از طریق نمونه گیری هدفدار و از بین مراکز شبانه روزی سازمان بهزیستی استان فارس انتخاب شدند. سپس از نظر سن، میزان تحصیلات و عدم ابتلا به بیماری و معلولیت جسمی و روان شناختی با گروه نوجوانان غیر پرورشگاهی، همسازی گروهی شدند. همچنین برای انتخاب نوجوانان دختر غیر پرورشگاهی با توجه به شرایط همتا سازی ابتدا به از روش نمونه گیری خوشه ای استفاده شد و از بین مناطق آموزشی ۴ گانه شهر شیراز دو منطقه آموزشی از ۲ و ۴ شهر شیراز انتخاب شدند. سپس، مدارس مورد نظر بررسی شدند و در نهایت کلاس هایی از این مدارس به عنوان آخرین مرحله نمونه گیری انتخاب گردید و پرسشنامه ها در اختیار دانش آموزان قرار گرفت.

ابزار جمع آوری داده شامل سه قسمت بود:

۱- پرسشنامه خصوصیات جمعیت شناختی اطلاعات آزمودنی ها از قبیل سن، مقطع تحصیلی و سابقه بیماری روانی و جسمانی بود.

۲- فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره های ناسازگار اولیه Early Maladaptive Schemas Questionnaire توسط یانگ (۱۹۹۸) برای ارزیابی ۱۵ طرحواره ناسازگار اولیه ساخته شده است و یک ابزار خود توصیفی است که شامل ۷۵ سؤال ۶ گزینه ای می باشد. پایایی و روایی این ابزار در پژوهش های متعددی به اثبات رسیده است (۱۳، ۱۴). پایایی مقیاس بوسیله آلفای کرونباخ برای کل آزمون (۰/۹۶۴) و برای تمام خرده مقیاس ها بالاتر از (۰/۸۰) بود (۱۴). هنجاریابی این پرسشنامه در ایران توسط آهی (۱۳۸۴) در دانشگاه های تهران انجام گرفته است. همسانی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ در جمعیت مؤنث (۰/۹۷) و در جمعیت مذکر (۰/۹۸) بدست آمده است (۱۵).

۳- پرسش نامه چهار عاملی باورهای غیر منطقی اهواز IBT- ۴) Factor Irrational beliefs Test-Ahwaz (A) چهل سوال دارد. عبادی و معتمدین پرسش نامه چهارعاملی

باورهای غیر منطقی اهواز (4 IBT- A) را براساس پرسش نامه ده عاملی باورهای غیر منطقی جونز به روش تحلیل عوامل ساخته اند. روش نمره گذاری آن براساس طیف لیکرت از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) است. عبادی و معتمدین برای بررسی دقیق تر پایایی ضریب آزمون، از ضریب آلفای کرونباخ و روش تنصیف استفاده کرده اند که به ترتیب برای کل مقیاس (۰/۷۵) و (۰/۷۶) و خرده عامل های درماندگی برابر تغییر، (۰/۸۰) و (۰/۸۲)، توقع تایید دیگران، (۰/۸۱) و (۰/۸۴)، اجتناب از مشکل (۰/۷۳) و (۰/۷۴)؛ بی مسئولیتی هیجانی (۰/۷۵) و (۰/۷۲) به دست آمده است (۱۶).

۴- آزمون مهارت های ارتباطی کوئین دام (Queen dom) نسخه تجدیدنظر شده برای سنجش مهارت های ارتباطی در بزرگسالان ابداع شده است، دارای ۳۴ عبارت است که مهارت های ارتباطی را توصیف می کنند. برای تکمیل آن پاسخگو باید هر گویه را بخواند و سپس میزان انطباق وضعیت فعلی خود را با محتوی آن بر روی یک طیف لیکرت ۵ درجه ای از ۱ (برای هرگز) تا ۵ (برای همیشه) مشخص کند. حسین چاری و فداکار (۱۳۸۴) اعتبار آزمون مهارت های ارتباطی را با استفاده از روش آلفا کرونباخ (۰/۶۹) گزارش کردند که حاکی از همسانی قابل قبول این آزمون است همچنین روایی آزمون را در حد مطلوب گزارش کردند (۱۷ و ۹).

در پژوهش حاضر از شاخص های آماری توصیفی مثل میانگین، انحراف معیار، فراوانی و درصد فراوانی برای توصیف ویژگی های جمعیت شناختی و برای پاسخ به فرضیه های پژوهش از آزمون تی مستقل برای دو گروه و همچنین از MANOVA در تحلیل داده ها استفاده شد. در اجرای این پژوهش ملاحظات اخلاقی، از جمله، محرمانگی پرسشنامه ها و رضایت آگاهانه رعایت گردید.

یافته ها

نتایج نشان داد که میانگین و انحراف معیار نوجوانان پرورشگاهی و نوجوانان غیر پرورشگاهی در متغیر طرحواره های ناسازگار اولیه به ترتیب برابر با (۲۳۳/۲۰±۵۱/۵۶) و (۱۹۴/۴۸±۵۱/۱۹)، در متغیر باورهای غیر منطقی

(۱۳۰/۹۲±۱۸/۵۸) و (۱۲۸/۲۹±۱۸/۵۸) در متغیر مهارت های ارتباطی (۹۶/۹۲±۱۶/۳۸) و (۱۰۲/۰۲±۱۲/۵۵) بود. با توجه به این نتایج میانگین نمرات کلی طرحواره های ناسازگار اولیه و باورهای غیرمنطقی نوجوانان پرورشگاهی از نوجوانان عادی بیشتر است (جدول ۱، ۳). ازسوی دیگر، میانگین نمرات کلی مهارت های ارتباطی نوجوانان پرورشگاهی از نوجوانان عادی کمتری باشد.

بر طبق نتایج بدست آمده در این پژوهش میانگین و انحراف معیار نوجوانان پرورشگاهی و نوجوانان غیر پرورشگاهی در ابعاد محرومیت هیجانی، رها شدگی یا بی ثباتی، بی اعتمادی یا بد رفتاری، انزوای اجتماعی یا بیگانگی، نقص یا شرم، شکست، وابستگی یا بی کفایتی، آسیب پذیری نسبت به خود یا بیماری، خود تحول نیافته یا گرفتار، اطاعت، ایثار، بازداری هیجانی، بعد سرسختانه یا عیب جویی افراطی، و خوشن داری یا خود انضباطی افراطی تفاوت معناداری دیده شد. با توجه به نتایج، میانگین همه ابعاد طرحواره های ناسازگار اولیه نوجوانان پرورشگاهی به جز خرده مقیاس استحقاق/بزرگ منشی از نوجوانان عادی بیشتر بود.

میانگین و انحراف معیار دو گروه نوجوانان پرورشگاهی و غیر پرورشگاهی در ابعاد مهارت های ارتباطی نیز در بعد گوش دادن به ترتیب در ابعاد تنظیم عواطف، درک پیام، بینش و قاطعیت تفاوت معنادار بود.

به علت عدم معناداری آزمون لوین در سطح (۰/۵۲)، فرض برابری واریانس ها برقرار بود. میانگین تفاوت ها و انحراف استاندارد دو گروه در نمرات کلی طرحواره های ناسازگار اولیه به ترتیب برابر با (۳۸/۷۲ و ۹/۶۴) بود. آزمون آماری t مستقل، با مقدار (۴/۰۱) و درجه آزادی ۱۱۴ نشان داد تفاوت دو گروه با اطمینان (۰/۹۹) از نظر آماری معنادار بود. با توجه به t به دست آمده و معناداری آن در سطح (P<۰/۰۰۱) فرض صفر رد و فرض تحقیق مبنی بر متفاوت بودن سطح طرحواره های ناسازگار اولیه دو گروه، تأیید گردید (جدول شماره ۱).

به علت عدم معناداری آزمون لوین، فرض برابری واریانس ها برقرار بود. میانگین تفاوت ها و انحراف استاندارد دو

گروه در نمرات کلی باورهای غیرمنطقی به ترتیب برابر با (۱/۸۰) و (۳/۹۱) بود. آزمون آماری t مستقل، با مقدار (۰/۴۶) و درجه آزادی ۱۱۴ نشان داد تفاوت دو گروه از نظر آماری معنادار نبود. با توجه به t به دست آمده و عدم معناداری آن در سطح (۰/۰۵) و عدم امکان رد فرض صفر، فرض تحقیق مبنی بر متفاوت بودن سطح باورهای غیرمنطقی دو گروه، تأیید نشد (جدول شماره ۲).

به علت عدم معناداری آزمون لوین در سطح (۰/۱۳)، فرض برابری واریانس‌ها برقرار و میانگین تفاوت‌ها و انحراف استاندارد دو گروه در نمرات کلی مهارت‌های ارتباطی به ترتیب برابر با (۵/۱۰ - و ۲/۶۹) بود. آزمون آماری t مستقل، با مقدار (۱/۸۹-) و درجه آزادی ۱۱۴ نشان داد تفاوت دو گروه از نظر آماری معنادار نیست. با توجه به t به دست آمده و عدم معناداری آن در سطح (۰/۰۵) و عدم امکان رد فرض صفر، فرض تحقیق مبنی بر متفاوت بودن سطح مهارت‌های ارتباطی دو گروه، تأیید نشد (جدول شماره ۳).

برای مقایسه‌ی ابعاد طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر روی دو گروه نوجوانان پرورشگاهی و نوجوانان عادی از تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد. برای بررسی این موضوع که آیا تفاوت بین متغیر مستقل در ترکیب خطی ابعاد متغیر وابسته معنادار است یا خیر از آزمون‌های اثر پیلاپی، لامبدای ویلکز، اثر هوتلینگ و بزرگترین ریشه‌روی استفاده شد. سطوح معناداری همه‌ی آزمون‌ها در حد (۰/۰۰۱) بیانگر آن بودند که بین دو گروه نوجوانان پرورشگاهی و نوجوانان عادی حداقل از لحاظ یکی از ابعاد طرحواره‌های ناسازگار اولیه تفاوت معناداری وجود دارد.

نتایج این مطالعه نشان داد که نوجوانان پرورشگاهی و نوجوانان عادی در ابعاد محرومیت هیجانی، رهاسدگی یا بی

ثباتی، بی اعتمادی/بدرفتاری، انزوای اجتماعی/بیگانگی، نقص/شرم، شکست، وابستگی/بی کفایتی، آسیب پذیری نسبت به خود و اطاعت در سطح (۰/۰۱) با یکدیگر تفاوت معنادار داشتند. سطح متغیرهای مذکور با توجه به مقادیر میانگین‌های ابعاد طرحواره های ناسازگار اولیه در گروه نوجوانان پرورشگاهی از نوجوانان عادی بیشتر بود. بین دو گروه در ابعاد خودتحول نیافته/گرفتار، ایثار، بازداری هیجانی، سرسختانه/عیب جویی افراطی، استحقاق/بزرگ منشی و خویشتن داری/خودانضباطی افراطی تفاوت معناداری وجود نداشت.

برای مقایسه‌ی ابعاد مهارت‌های ارتباطی بر روی دو گروه نوجوانان پرورشگاهی و نوجوانان عادی از تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد. برای بررسی این موضوع که آیا تفاوت بین متغیر مستقل در ترکیب خطی ابعاد متغیر وابسته معنادار است یا خیر از آزمون‌های اثر پیلاپی، لامبدای ویلکز، اثر هوتلینگ و بزرگترین ریشه‌روی استفاده شد (جدول شماره ۴).

سطوح معناداری همه‌ی آزمون‌ها، بیانگر آن بود که بین دو گروه نوجوانان پرورشگاهی و نوجوانان عادی به احتمال زیاد از لحاظ ابعاد مهارت‌های ارتباطی تفاوت معناداری وجود نداشت و برای پی بردن بیشتر به وجود یا عدم وجود این تفاوت، اثرات بین آزمودنی‌ها در جدول (۵) ارائه گردید. نوجوانان پرورشگاهی و نوجوانان عادی در همه ابعاد مهارت‌های ارتباطی به جز خرده مقیاس قاطعیت تفاوت معناداری نشان ندادند. دو گروه در بعد قاطعیت در سطح (۰/۰۵) با یکدیگر تفاوت معنادار نشان دادند که جهت این تفاوت با توجه به مقادیر میانگین ابعاد مهارت‌های ارتباطی به نحوی بود که در گروه نوجوانان پرورشگاهی کمتر از نوجوانان عادی مشاهده شد.

جدول ۱ - نتایج آزمون t مستقل جهت مقایسه نمره کلی طرحواره‌های ناسازگار اولیه در دو گروه نوجوانان پرورشگاهی و نوجوانان عادی

تعداد	میانگین تفاوت‌ها	انحراف استاندارد	ملاک آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری
۵۶	۳۸/۷۲	۹/۶۴	۴/۰۱	۱۱۴	۰/۰۰۱
۶۰					

جدول ۲- نتایج آزمون t مستقل جهت مقایسه نمره کلی باورهای غیرمنطقی در دو گروه نوجوانان پرورشگاهی و نوجوانان عادی

تعداد	میانگین تفاوت ها	انحراف استاندارد	ملاک آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری
۵۶	۱/۸۰	۳/۹۱	۰/۴۶	۱۱۴	۰/۶۴
۶۰					

جدول ۳- نتایج آزمون t مستقل جهت مقایسه نمره کلی مهارت‌های ارتباطی در دو گروه نوجوانان پرورشگاهی و نوجوانان عادی

تعداد	میانگین تفاوت ها	انحراف استاندارد	ملاک آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری
۵۶	-۵/۱۰	۲/۶۹	-۱/۸۹	۱۱۴	۰/۰۶
۶۰					

جدول ۴- نتایج اثرات بین آزمودنی‌ها از لحاظ نمرات ابعاد طرحواره‌های ناسازگار اولیه در دو گروه نوجوانان پرورشگاهی و نوجوانان عادی: تحلیل واریانس یکطرفه

در متن مانوا

متغیرها	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	مقدار F	مقدار احتمال
محرومیت هیجانی	۱۰۹۲/۳۱۲	۱	۱۰۹۲/۳۱۲	۴۰/۴۸۹	۰/۰۰۰۱
رهاشدگی یا بی ثباتی	۵۳۴/۸۰۰	۱	۵۳۴/۸۰۰	۱۴/۷۸۳	۰/۰۰۰۱
بی اعتمادی/بدرفتاری	۱۶۱/۳۵۷	۱	۱۶۱/۳۵۷	۵/۹۹۸	۰/۰۱۶
انزوای اجتماعی/بیگانگی	۲۲۶/۸۰۰	۱	۲۲۶/۸۰۰	۸/۴۶۷	۰/۰۰۴
نقص/شرم	۴۳۲/۳۲۳	۱	۴۳۲/۳۲۳	۱۴/۹۲۸	۰/۰۰۰۱
شکست	۳۰۷/۸۸۳	۱	۳۰۷/۸۸۳	۱۰/۵۷۱	۰/۰۰۲
وابستگی/بی کفایتی	۴۰۰/۴۲۵	۱	۴۰۰/۴۲۵	۱۱/۵۷۸	۰/۰۰۱
آسیب‌پذیری نسبت به خود/بیماری	۲۸۶/۷۵۵	۱	۲۸۶/۷۵۵	۷/۵۴۰	۰/۰۰۷
خودتجول نیافته/گرفتار	۷۲/۴۸۳	۱	۷۲/۴۸۳	۱/۹۴۸	۰/۱۶۶
اطاعت	۱۴۶/۳۷۳	۱	۱۴۶/۳۷۳	۶/۲۰۲	۰/۰۱۴
ایثار	۹۸/۷۳۷	۱	۹۸/۷۳۷	۳/۲۶۲	۰/۰۷۴
بازداری هیجانی	۱۰۲/۴۸۴	۱	۱۰۲/۴۸۴	۳/۱۶۴	۰/۰۷۸
سرسختانه/عیب جویی افراطی	۲۱/۳۱۳	۱	۲۱/۳۱۳	۰/۶۸۸	۰/۴۰۹
استحقاق/بزرگ منشی	۱۳/۲۵۹	۱	۱۳/۲۵۹	۰/۴۰۷	۰/۵۲۵
خوبشنداری/خودنضباطی افراطی	۶۰/۳۲۸	۱	۶۰/۳۲۸	۲/۵۲۵	۰/۱۱۵

جدول ۵- نتایج اثرات بین آزمودنی‌ها از لحاظ نمرات ابعاد مهارت های ارتباطی در دو گروه نوجوانان پرورشگاهی و نوجوانان عادی: تحلیل واریانس یکطرفه در

متن مانوا

متغیرها	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	مقدار F	مقدار احتمال
گوش دادن	۴۰/۸۴	۱	۴۰/۸۴	۲/۷۳	۰/۱۰
تنظیم عواطف	۱۱/۱۵	۱	۱۱/۱۵	۰/۵۴	۰/۴۶
درک پیام	۴۴/۷۴	۱	۴۴/۷۴	۱/۸۳	۰/۱۷
بیش	۱۶/۶۹	۱	۱۶/۶۹	۱/۶۹	۰/۱۹
قاطعییت	۴۸/۳۷	۱	۴۸/۳۷	۵/۲۳	۰/۰۲

نوجوانان غیر پرورشگاهی بود. به عبارت دیگر طرحواره‌های

نوجوانان پرورشگاهی ناسازگارتر از طرحواره‌های نوجوانان غیر پرورشگاهی بود. بر اساس نتایج این پژوهش میان این دو گروه در ابعاد محرومیت هیجانی، رهاشدگی یا بی ثباتی، بی اعتمادی/بدرفتاری، انزوای اجتماعی/بیگانگی، نقص/شرم، شکست، وابستگی/بی کفایتی، آسیب پذیری نسبت به خود و اطاعت

بحث

نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر نشان داد، میان نوجوانان پرورشگاهی و نوجوانان غیر پرورشگاهی در طرحواره‌های ناسازگار اولیه تفاوت معناداری وجود دارد. در این پژوهش نشان داده شد که به طور معناداری میانگین نمرات طرحواره‌های ناسازگار اولیه نوجوانان پرورشگاهی بالاتر از

تفاوت معنادار وجود داشت. به طوری که سطح متغیرهای مذکور با توجه به مقادیر میانگین‌ها در گروه نوجوانان پرورشگاهی بیشتر از نوجوانان غیر پرورشگاهی بود. این یافته با نتایج پژوهش ابراهیم و همکاران (۲۰۱۲)، که طرحواره‌های ناسازگار به طور بالایی در میان پرورشگاہیان شایع است، همسویی داشت. این نتیجه ممکن است مربوط به فقدان والدین، ضربه جدایی، یا کمبود اعتماد و امنیت در اوایل کودکی، اثر جابه جایی و زندگی کردن در پرورشگاه و احساس محرومیت هیجانی باشد. یکی از ریشه‌های تحولی طرحواره‌های ناسازگار اولیه عدم ارضای نیازهای هیجانی اساسی است (۴). یانک معتقد است که طرحواره‌های ناسازگار اولیه اغلب به دلیل ارضا نشدن پنج نیاز تحولی دوران کودکی: ۱) دلبستگی ایمن به دیگران (شامل نیاز به امنیت، ثبات، محبت، حمایت و پذیرفتن). ۲) خودمختاری، کفایت و حس هویت. ۳) آزادی در بیان نیازها و هیجان‌های منطقی و سالم. ۴) خودانگیختگی و تفریح. ۵) محدودیت‌های واقع‌بینانه و خویشتن‌داری به وجود می‌آیند (۴).

در مورد نوجوانان پرورشگاهی مخصوصاً نیاز دلبستگی ایمن به دیگران با توجه به محیط و شرایط موسسه‌ها، جابه جایی مکرر، تغییر کارکنان شبانه روزی‌ها یا تغییر سیاست‌های مرکز نگهداری ارضا نمی‌شود. در نتیجه زندگی در پرورشگاه‌ها و شرایط موسسه‌ای می‌تواند رشد طرحواره‌های ناسازگار را در این نوجوانان تسریع کند.

افراد دارای طرحواره محرومیت هیجانی بر این باورند که تمایلات و نیازهای آن‌ها به حمایت عاطفی به اندازه کافی از جانب دیگران ارضا نمی‌شود. سه نوع محرومیت: الف) محرومیت از محبت: فقدان توجه، عطوفت یا همراهی. ب) محرومیت از همدلی: درک نشدن، به حرف دل فرد گوش ندادن، عدم خودافشایی یا در میان نگذاشتن احساسات با دیگران. ج) محرومیت از حمایت: نداشتن منبع قدرت، جهت دهی یا راهنمایی نشدن از سوی دیگران وجود دارد. همچنین باور افراد دارای طرحواره رها شدگی-بی‌ثباتی این است که اگر با هر فرد پیوستگی هیجانی پیدا کنند، روابط نزدیک آن‌ها با یک یا چند نفر به زودی به پایان می‌رسد. میانگین نمرات نوجوانان

پرورشگاهی در این دو طرحواره بیشتر از نوجوانان عادی است و این تفاوت معنادار است. این یافته با نتایج پژوهش قنبری هاشم آبادی (۱۳۹۰) که نوجوانان عادی روابط عاطفی بهتری تجربه می‌کنند همسو است (۸).

بر اساس نتایج این پژوهش تفاوت در طرحواره وابستگی-بی‌کفایتی در این دو گروه معنادار شده است و میانگین نمرات نوجوانان پرورشگاهی بیشتر از نوجوانان عادی بود. افراد دارای این طرحواره نمی‌توانند مسئولیت‌های روزمره خود (مثل حل مشکلات روزانه، قضاوت خوب، تصمیم‌گیری صحیح و از عهده تکالیف جدید برآمدن) را به طور مستقل و کامل بپذیرند. این افراد معمولاً به صورت مفرط در زمینه‌هایی مانند تصمیم‌گیری و انجام یک تکلیف تازه از دیگران کمک می‌طلبند. علت این امر می‌تواند این باشد که در محیط پرورشگاه برنامه زندگی، تحصیلی و غیره برای این نوجوانان از پیش تعیین شده است و خود این نوجوانان در این برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌ها نقشی ندارند. به عنوان مثال اگر یک نوجوان عادی برای خرید کفش نظرش را برای روز رفتن به خرید اعلام می‌کند اما این امکان برای یک نوجوان پرورشگاهی وجود ندارد و باید طبق زمان و برنامه ریزی موسسه رفتار کند.

طرحواره های نقص-شرم و انزوای اجتماعی-بیگانگی در نوجوانان پرورشگاهی در مقایسه با نوجوانان عادی بر اساس نتایج این پژوهش متفاوت است به نحوی که میانگین نمرات نوجوانان پرورشگاهی بیشتر از نوجوانان عادی است. که این امر در نوجوانان پرورشگاهی با داشتن شرایطی متفاوت دور از انتظار نیست. از همان ابتدای مدرسه نوجوان پرورشگاهی متوجه تفاوت خودش با دیگر همکلاسی‌هایش می‌شود. دیگر همکلاسی‌ها پس از اتمام مدرسه به خانه خود می‌روند. اگر مشکلی در مدرسه داشته باشند پدر یا مادرشان حاضر می‌شوند و تفاوت‌هایی از این قبیل باعث می‌شود تا نوجوان پرورشگاهی خود را جدا افتاده از دیگران و وصله ناهماهنگ احساس کنند و این طرحواره‌ها در آنان شکل بگیرند.

در ابعاد خود تحول نیافته/ گرفتار، ایثار، بازداری هیجانی، سرسختانه/ عیب جویی افراطی، استحقاق/ بزرگ منشی و

خویشتن داری/ خود انضباطی افراطی بین دو گروه تفاوت معناداری وجود نداشت.

طرحواره‌های ناسازگار اولیه به طور کلی در پنج حوزه قرار می‌گیرند. تفاوت دو گروه در طرحواره‌های حوزه اول (بریدگی و طرد) معنادار بود. این حوزه مربوط به ارضا نشدن نیاز به امنیت، ثبات، محبت، عشق و برقراری ارتباط رضایت بخش با دیگران است. تفاوت دو گروه در طرحواره‌های حوزه دوم (خودگردانی و عملکرد مختل) به جز طرحواره خود تحول یافته/ گرفتار، معنادار است. افراد دارای طرحواره خود تحول یافته/ گرفتار، ارتباط عاطفی شدید و نزدیکی بیش از حد با یکی از افراد مهم زندگی برقرار می‌کنند. با توجه به این که نوجوانان پرورشگاهی از نظر عاطفی و هیجانی محیطی همچون خانواده را تجربه نمی‌کنند بنابراین انتظار می‌رفت نوجوانان پرورشگاهی در این طرحواره با نوجوانان عادی متفاوت و میانگین نمراتشان در این خرده مقیاس بالاتر باشد. شاید دلیل عدم تفاوت دو گروه این باشد که این امکان برای نوجوانان پرورشگاهی فراهم نیست تا فردی ثابت در زندگی خود داشته باشند چنانچه مراقبین هر ۴۸ ساعت عوض می‌شوند در نتیجه کودکان و نوجوانان پرورشگاهی در ارتباط عاطفی پایدار با کسی قرار نمی‌گیرند. براساس نتایج تفاوت در هر دو طرحواره حوزه سوم (محدودیت‌های مختل) میان دو گروه معنادار نیست. افرادی که طرحواره‌هایشان در این حوزه قرار می‌گیرد، محدودیت درونیشان در خصوص احترام متقابل و خویشتن داری به اندازه کافی رشد نکرده است. این یافته نشان می‌دهد که محیط پرورشگاه و رفتار مسئولین از نظر انضباط، مواجه مناسب و محدودیت‌های منطقی، مسئولیت پذیری، همکاری و هدف گزینی، به گونه‌ای است که به محیط خانواده نزدیک است. با توجه به این که کودکانی که در خانواده ها رشد می‌کنند از الگوی هنجار رشدی برخوردارند. با خانواده، قوانین و مقررات آن آشنا می‌شوند و نقش های خانواده از قبیل پدر، مادر، خواهر و برادر را از طریق مشاهده و ارتباط فرا می‌گیرند. آنچه در مورد نوجوانان پرورشگاهی انتظار می‌رفت این بود که میانگین نمراتشان در این حوزه از طرحواره های شناختی بالاتر از نوجوانان عادی و

تفاوتشان معنادار باشد. شاید دلیل عدم معناداری این باشد که حدود اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ سازمان بهزیستی قانونی صادر کرد مبنی بر این که علاوه بر افراد بهزیست کار که کودکان پرورشگاهی تحت مراقبت آن ها بزرگ می‌شوند، از نیروهای داوطلب برای رفع نیاز های این کودکان و نیز ایجاد الگوی مادرانه برای این کودکان کمک گرفت و الگوی مادر-یار در پرورشگاه ها برقرار شد. به واسطه این قانون هر کودک می‌تواند یک یا چند مادر-یار داشته باشد. شاید ایجاد چنین الگویی برای نزدیک کردن تجربیات کودکان پرورشگاهی با زندگی کودکان عادی موثر بوده است. قابل انتظار است که افرادی که طرحواره‌هایشان در این حوزه قرار می‌گیرد مشکلاتی در رابطه با رعایت حقوق دیگران و همکاری با دیگران داشته باشد و پیش زمینه‌ای باشد برای رفتارهای ناسازگارانه. با در نظر گرفتن این نکته که تفاوت در بین دو گروه پرورشگاهی و عادی معنادار نشده است این یافته با نتایج پژوهش محبی و همکاران (۱۳۹۰) که میزان ناسازگاری و اختلالات رفتاری در کودکان بی سرپرست بیشتر از کودکان عادی است همسو نمی‌باشد. در حوزه چهارم در طرحواره ایثار (از خود گذشتگی) بین دو گروه تفاوت معناداری وجود ندارد. علت این امر می‌تواند این باشد که صرف نظر از محیط خانواده و پرورشگاه، مقوله ایثار در فرهنگ ما یک ارزش محسوب می‌شود و بیشتر وابسته به فرهنگ است تا وابسته به محیط خانواده و پرورشگاه باشد (۱۸).

در طرحواره اطاعت در این حوزه بین دو گروه پرورشگاهی و غیر پرورشگاهی تفاوت معنی داری وجود دارد. افرادی که دارای این طرحواره هستند، احساس نسبت به واگذاری افراطی کنترل خود به دیگران دارند. این امر می‌تواند به این علت باشد که در پرورشگاه کودکان برای اجتناب از خشم یا محرومیت از امکانات و تفریحات از مراقبین اطاعت می‌کنند. در طرحواره‌های حوزه پنجم (گوش به زنگی بیش از حد و بازداری) بین دو گروه تفاوت معناداری وجود ندارد. تاکید افراطی بر واپس زنی احساسات، تکانه‌ها و انتخاب‌های خودانگیخته و تلاش در جهت برآورده ساختن قواعد و انتظارات انعطاف ناپذیر و درونی شده درباره عملکرد و رفتار اخلاقی که اغلب منجر به از بین رفتن

خوشحالی، ابراز عقیده، آرامش خاطر، روابط نزدیک و سلامتی می شود از ویژگی های افرادی است که طرحواره هایشان در این حوزه قرار می گیرد. طرحواره های بازداری هیجانی و عیب جویی افراطی نیز بیشتر وابسته به فرهنگ هستند و از طریق ارتباط با اطرافیان و محیط های آموزشی مثل مدرسه از همان دوران کودکی به کودکان آموخته می شوند. به علاوه این که گروه سنی نمونه این پژوهش نوجوانان بودند. در فرهنگ ایران دختران در سن بلوغ شدیداً به حفظ ارزش های اخلاقی راهنمایی می شوند. شاید به همین دلیل تفاوت نوجوانان پرورشگاهی و نوجوانان عادی در این خرده مقیاس معنادار نشده است.

یافته های این پژوهش نشان داد که تفاوت معناداری در باورهای غیر منطقی بین نوجوانان پرورشگاهی و غیر پرورشگاهی وجود ندارد. این یافته می تواند متأثر از شرایط سنی و رشدی نوجوانان باشد. پیازه معتقد است فرد در دروان نوجوانی قادر به استدلال انتزاعی است. به بیان دیگر توانایی شناخت او به عملیات انتزاعی مجهز می گردد. توانایی دستکاری هم زمان بیش از چند متغیر و طرح فرضیه های مبتنی بر زنجیره های منطقی از ویژگی های این دوره است. این امر خود بر عدم تفاوت این دو گروه موثر است. از طرف دیگر باورها قابل آموختن هستند. موسسات، مدرسه و مراقبین می توانند در پرورش باورهای منطقی موثر باشند و جایگزین خانواده گردد.

در متغیر مهارت های ارتباطی نیز میان نوجوانان پرورشگاهی و نوجوانان غیر پرورشگاهی تفاوت معناداری وجود نداشت. علت تأیید نشدن فرضیه پژوهش می تواند این امر باشد که نوجوانان پرورشگاهی در عین آسیب ها و نا امنی های دوران کودکی در یک محیط گروهی زندگی می کنند که اهمیت ارتباط برقرار کردن بسیار زیاد است. چرا که نوجوانان پرورشگاهی برای رسیدن به اهداف و موفقیت های اجتماعی از منابع حمایتی کمتری برخوردارند نسبت به نوجوانان عادی، در نتیجه برقراری رابطه خوب و حفظ آن برای نوجوانان پرورشگاهی نقشی حیاتی در رسیدن به اهدافشان دارد. از طرفی محیط های پرورشگاهی احتمالاً غنی از آموزش و تربیت است و برای این کودکان و

نوجوانان دایماً کلاس ها و کارگاه های آموزشی برگزار می شود به علاوه این که بهزیستی برای مراقبت از این کودکان و نوجوانان از متخصصین علوم تربیتی و روانشناسان کمک می گیرد. از طرفی آزمون مهارت های ارتباطی آخرین پرسشنامه بود و با توجه به زیاد بودن تعداد سوالات پرسشنامه ها احتمالاً توجه به پرسشنامه آخر و پاسخ دادن به آن برای آزمودنی مشکل تر بوده است و تفاوت دو گروه در مهارت های ارتباطی معنادار نگردید. محدود بودن جامعه آماری پژوهش، صرفاً به پرورشگاه های استان فارس و شهر شیراز، از تعمیم پذیری نتایج این مطالعه به کل کشور می کاهد که می تواند از محدودیت های این مطالعه محسوب گردد.

نتیجه گیری نهایی

به طور کلی نتایج این پژوهش اهمیت محرومیت کودکان از والدین را در طرحواره های ناسازگار برجسته می سازد و بیان می دارد که طرحواره های ناسازگار نوجوانان پرورشگاهی ناکارآمدتر از طرحواره های نوجوانان عادی است. براساس نتایج این پژوهش توجه بیشتر به مراقبت روان شناختی کودکان و نوجوانان پرورشگاهی به خصوص در جنبه های امنیت، اعتماد، اعتماد به نفس می تواند در بهبود طرحواره های ناسازگار آنان موثر باشد. از سوی دیگر نتایج رابطه معناداری بین مهارت های ارتباطی و باورهای غیر منطقی دو گروه نشان ندادند که این امر خود می تواند نشان دهنده محیط مناسب پرورشگاه از نظر آموزشی و رفتار مناسب مراقبین و متخصصین در زمینه ارتباط باشد. در نهایت به نظر می رسد، هر چند که کارکنان پرورشگاه ها تلاش بی وقفه ای برای رشد اجتماعی این نوجوانان کرده اند، اما به نظر می رسد، مراقب باثبات در دو سال اول شکل گیری شخصیت کودک همچنان یک ضرورت می باشد.

تشکر و قدردانی

از سازمان بهزیستی استان فارس، و اداره بهزیستی شهر شیراز و پرورشگاه های شهر شیراز و تمامی کارکنان این مراکز و همچنین از تمامی نوجوانانی که ما را در اجرای پژوهش یاری رساندند، تشکر و قدردانی می کنیم.

منابع

- 1- Heidari N, Pourebrahim T, Khodabakhshi Koolaei A, & Mosalanejad L. Relationship between Emotional Control Expressiveness Style and Resilience against Narcotics Substance Use in High School Male Students, *Rafsanjan Univ Med Sci* 2013; 12(8): 599-610. [Persian].
- 2- Ahmadi A. effectiveness of training problem solving on personality characterize adolescents in hostels of orphans in Tehran, MSc thesis, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran, 2002. [Persian].
- 3- Noori, A, Makaremi, A., & Ebrahimi, M. comparison between attributive styles among orphan and non-orphan adolescents in Shiraz city, *knowledge and research in psychology*, 2000, vol, 4, PP: 25- 40.
- 4- Ibrahim A, El-Bilsha M, El-Gilany A, kahter M. Prevalence and predictors of maladaptive cognitive schema among orphans in Dakahlia governorate orphanages, Egypt. *MIDDLE EAST JOURNAL OF PSYCHIATRY AND ALZHEIMERS*. 2012, Volume3, PP: 15-25.
- 5- Sedigh M. effectiveness of training problem solving on reduce depression among runaway females residents in welfare centers in Tehran, MSc thesis, Allameh tabatabaee University, Tehran, Iran, 2005. [Persian].
- 6- Young s, klosko s, weishaar E. schema Therapy. A practitioner's Guide. New York: the Guilford press. 2003.
- 7- Sheffield A; Waller G; Emauelli F.; Murrey J & Meyer C. Link between parenting and core belief.; Preliminary Psychometric, Validation of young Parenting Inventory. *Cognitive therapy and Research*. 2005, 29(6), 72-78.
- 8- Ghanbri- Hashemabadi, B. comparison EQ in orphan and non-orphan children. *Journal of Educational psychology*, 2012, Vol 21, PP: 21- 28.
- 9- Hossin Cahri M, & Fadakar M. the impact of university on relationship skills on students. *Journal of knowledge of behavior*, 2005, Vol 15, PP: 63-75.
- 10- Yadavari M, & Pasha, GH. The effect of life skills training on general health, self-esteem and self- expression in adolescents, *Journal of social science*, 2008, Vol 10 and 11, PP: 18-24.
- 11- Salimi H, Ramezani A, Khvanaki Z, And Amiri M. the relationship between irrational beliefs in mothers with behavioral problems among female adolescents, *Journal of Applied psychology*, 2009, Vol 1, PP: 45- 56.
- 12- Rijikeboer M.M & vanden bevgh H. Multiple Group confirmatory factor analysis of the young schema – Questionnaire in a Dutch Clinical Versus nonclinical population. *Cognitive therapy and Research*. 2006, 30, 263-278.
- 13- Baranoff J & tian P.s.Oei. Young schema Questionnaire: Review of Psychometric and Measurement Issues. *Australian Journal of Psychology*, 2007, 59, 2:78-86
- 14- Waller, G., Meyer, C., Hanian, V. Psychometric Properties of the long & short Version of the Young schema Question native. *Cognitive therapy and Research*, 2001, 25, 137-147.

- 15- Ahi GH, Mohammadifar MA, & Besharat, MH. Reliability and validity of Young cognitive schemas questionnaire, Short Version, 2007, Vol 37, PP: 5- 20.
- 16- Ebadi GH, & Motemedin, M. the study of factorial structure of Jones irrational beliefs Questionnaire in Ahvaz City, Knowledge and research in psychology, 2005, Vol 7, PP: 73-92.
- 17- Queendom A. Queendom Communication skills test- Revised.2004, Available online by internet: <http://www.queendom.com/cgi-bin/tests/transfer.cgi>
- 18- Mhebi S, Mohammadi A, & Ghasemi N. Comparsion of malajustmnt indiactors using Machover Draw-A-Person Test and behavioral disorders in orphans versus non-orphan, Armaghan Andisheh, Yasuj university of medical Science Journal(YUMSJ), 2012, Vol 16(6), pp: 578-589.[Persian].